آموزش شاگردان برای آموزش
جلسه ۲۱: شاگردی رابطه ای است (۱۰الف)

ارائه شده توسط ران لایولی، M.Div., M.A. – BiblicalMentoring.org (مطالعات)

مرحله ۱: دعای آغازین

مرحله ۲: هر فرد آیه خاطره را نقل می کند: بیت: **اول پطرس ۲۲:۱-۲۳**

۲۲ پس از تطهیر جان های خود با اطاعت از حقیقت، برای عشقی صادقانه و برادرانه،
یکدیگر را با قلبی پاک صادقانه دوست بدارید، ۲۳ سال از زمانی که دوباره متولد شده اید،
نه از بذر فاسدشدنی بلکه از بذر جاودان،
از طریق کلام زنده و پایدار خدا؛

مرحله ۳: *تمام یا بخشی از فصل کتاب مقدس را بخوانید و بحث کنید* – **۱ پطرس ۱**

مرحله ۴: سوالات برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. نویسنده هشت ویژگی را پیشنهاد می کند که به ما کمک می کند رابطه سالمی با شاگرد/کارآموز خود برقرار کنیم.
2. اولین ویژگی «گرما» است که نگرش محبت و مهربانی برای کارآموز شماست.
3. مهم است که به شاگرد خود بگویید که او را دوست دارید. راه هایی برای ابراز عشق خود پیدا کنید تا بداند پذیرش و عشق شما واقعی است.
4. به یاد داشته باشید که اعمال شما بلندتر از حرف هایتان سخن می گویند. کلمات ضروری و مهم هستند اما عمل مهم ترند.
5. فیلیپس می نویسد که مهربانی نیازمند تدبیر و درک دقیق از حرف های درست برای گفتن به شیوه درست و زمان مناسب است که نیازمند حکمت خدایی است (یعقوب ۳:۱۷).

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*
فصل ۱۰a طبق گفته نویسنده – کیت فیلیپس:

شاگردی رابطه ای است

شاگردی یک برخورد زندگی در زندگی است. این صرفا مجموعه ای از جلسات یا دوره ای مشخص از مطالعه نیست. این اساسا رابطه ای است— سرمایه گذاری تمام آنچه در شخص دیگری هستی. موفقیت شما در بازتولید کامل زندگی ای که در مسیح دارید در شاگردتان بسته به قدرت رابطه تان بالا یا پایین خواهد رفت. اجازه دهید هشت ویژگی را پیشنهاد دهم که به شما کمک می کند رابطه سالمی با شاگردتان برقرار کنید.

گرما

گرما نگرشی از عشق و مهربانی است که از طریق ترکیبی از ارتباط کلامی و غیرکلامی منتقل می شود. عشق شما به یکدیگر مهم ترین شاخص عشق شما به مسیح است. اول پطرس ۱:۲۲ مسیحیان را تشویق می کند که یکدیگر را با تمام وجود گرمی دوست بدارند. ایثارگری، خدمت رسانی و تعهد عشق را تشکیل می دهند و رابطه تسلیم و اقتدار شما را از شراکت های جهان متمایز می کنند.

عشق به دنبال بهترین ها برای برادر است. این عشق در نگرانی واقعی خود را نشان می دهد. پولس به برنابا گفت: «... بیایید بازگردیم و برادران را در هر شهری که کلام خداوند را اعلام کردیم دیدار کنیم و ببینیم چگونه هستند» (اعمال رسولان ۱۵:۳۶). شاگرد تو دوست است، نه پروژه ای معنوی. به دردهای او گوش بده و در غم او را تسلی بده. علایق، دغدغه ها و شادی هایش را به عنوان منافع خود بپذیر. صادقانه به افراد و رویدادهایی که بر او تأثیر می گذارند علاقه مند باش. اگر با شادی به شاگرد خود خدمت کنی، او خواهد دانست که دوستش داری و به تو احترام خواهد گذاشت و رهبری ات را طلب خواهد کرد. پولس گفت: «و من با کمال میل برای جان های شما خرج خواهم کرد و خرج خواهم شد...» (۲ قرنتیان ۱۲:۱۵). محبت فداکارانه شاگرد تو را به سوی نشانه «کامل و کامل، بی هیچ» (یعقوب ۱:۴) الهام می بخشد. عشق شما به شاگردتان بر پایه تعهد شما به او استوار است. این عشق فراتر از احساسات عاطفی است. بسیاری از شاگردان مسیح او را ترک کردند و دیگران حتی زمانی که او برای آن ها جان می داد، انکار کردند که او را می شناسند. اما تعهد مسیح به آن ها بی تزلزل بود: «... او آن ها را تا آخرین لحظه دوست داشت» (یوحنا ۱۳:۱). محبت پولس باعث شد او «حاضر باشد تا

ابد محکوم شود» اگر بتواند قومش را نجات دهد (رومیان ۹:۳ LB). عشق تو را به حرکت در مایل دوم با شاگردت می انگیزد تا خود را گسترش دهی تا او را تشویق و بسازی. این روح قضاوت گر، ناگهانی یا طلبکار را به بخشش، بردباری و فهم تبدیل می کند. به ابراز محبت رسولان به فرزندان روحانی شان گوش دهید: «چنین محبت عمیقی نسبت به شما دارم...» (اول تسالونیکیان ۲:۸)؛ «زیرا آرزو دارم تو را ببینم...» (رومیان ۱:۱۱)؛ "... تو را در قلبم دارم، با محبت مسیح عیسی آرزوی همه شما را دارم» (فیلیپیان ۱:۷،۸)؛ «هیچ شادی ای بزرگ تر از این ندارم که بشنوم فرزندانم در حقیقت راه می روند» (۳ یوحنا ۴). هرگز از گفتن دوستت به شاگردت خجالت نکش. اخیرا با نورم بوسول در نیوآرک، حدود ۳۰۰۰ مایل دورتر، تماس گرفتم و فقط گفتم: «دوستت دارم.» نورم شگفت زده و خوشحال شد وقتی فهمید تنها دلیل تماس من همین بوده است. سوزی شاگردش را با دسته گلی غافلگیر کرد. مریم ناگهان شاگردش را از یک قرار ملاقات برداشت، فقط برای اینکه مجبور نباشد در باران به خانه برود. عشق خود را به شاگردت تأیید کن. با این حال، توضیح بده که عشق همچنین مستلزم آن است که رابطه تان انحصاری نباشد. مرگ به خود شامل محدود کردن دوستی های عزیز به خاطر پادشاهی خدا است. هر دوی شما باید به دیگران بدهید و آزادانه ارتباط برقرار کنید. رابطه شما باید بر محور مسیح باشد، نه خودمحور. مهربانی رهبری شما را تقویت می کند. پولس مهربان بود «همان طور که مادری شیرده با مهربانی از فرزندان خود مراقبت می کند» (اول تسالونیکیان ۲:۷). حساسیت شما به احساسات شاگردتان رشد او را تحریک خواهد کرد. او باید اطمینان داشته باشد که عشق شما به او تحت تأثیر خطاها و انسانیت او قرار نخواهد گرفت. پولس توصیه می کند: «اکنون کسی را که در ایمان ضعیف است بپذیرید...» (رومیان ۱۴:۱). یک شب با شاگردی بودم که به طرز غیرمعمولی عصبی به نظر می رسید. پس از چند دقیقه با اشک اعتراف کرد: «به تو دروغ گفتم.» یک ماه پیش به من گفته بود مردی که می خواستم با او قرار ملاقات داشته باشد، در دسترس نیست. حالا اعتراف کرد که فراموش کرده تماس بگیرد و از گفتن حقیقت ترسیده است. فکر می کنم انتظار داشت با آتش و گوگرد پاسخ دهم. برای لحظه ای فکر کردم و سپس بابت انتقال روحیه ای که او از اعتراف به اشتباهش می ترسید، عذرخواهی کردم. به او اطمینان دادم که رابطه ما مهم تر از هر نامزدی است و عشق من به او تحت تأثیر کارهایی که انجام داده یا نکرده تأثیر نمی گذارد. او بعدها گفت که پذیرش من از او در آن شب مهم ترین عامل در باور او بود که خدا می تواند از او برای ساختن شاگرد استفاده کند. اگر از محبت بی قید و شرط مسیح سخن بگویید و سپس وقتی شاگردتان گناه را می پذیرد انزجار نشان دهید، اعمال شما سخنانتان را انکار می کند. زندگی شما باید منتقل کند: «دوستت دارم. من طرف شما هستم.» مهربانی نیازمند تدبیر است، آن درک دقیق از کاری که باید بگویید یا انجام دهید بدون اینکه دیگران را آزرده کنید. این به شما اجازه می دهد به اصول خود وفادار بمانید بدون اینکه مکانیزم های دفاعی شاگردتان فعال شود. امثال ۱۵:۲۳ (LB) می گوید: «... چقدر شگفت انگیز است که بتوانی حرف درست را در زمان مناسب بزنی!» تدبیر نیازمند حکمت خدایی است. یعقوب ۳:۱۷ می آموزد: «اما حکمت بالا ابتدا پاک است، سپس صلح آمیز، مهربان، معقول، پر از رحمت و میوه های نیک، استوار و بدون ریاکاری.» چند سال پیش یکی از کارکنان ما به شهری دیگر منتقل شد. پس از ورودش، بلافاصله بسیاری از کاستی های وزارت آن شهر را نشان داد و پیشنهاد داد چگونه می توان آن را مؤثرتر و کارآمدتر کرد. کارکنان شهر جدید با حالت دفاعی واکنش نشان دادند و هر آنچه او گفت را رد کردند.

اگرچه این خانم جوان دانش عملی و تجربه ای داشت که می توانست به خدمت جدیدش کمک زیادی کند، اما مهارت تدبیر لازم را نداشت. او باید سوالات تهدیدآمیز درباره زندگی و کارشان را به تعویق می انداخت تا زمانی که آن ها بدانند او آن ها را دوست دارد. سیل سوالات اغلب به عنوان بازجویی تفسیر می شود. مردم وقتی دیگران در کارهایشان ایراداتی ایجاد می کنند یا تغییرات بزرگی را خیلی سریع پیشنهاد می دهند، حالت دفاعی می گیرند. «خداوند مهربان و بخشنده است، کند خشم می کند و سرشار از مهربانی محبت آمیز است» (مزامیر ۱۰۳:۸). گرمای مسیحی تو اعتبار انجیل را حفظ می کند. این گرمای احترام و گشاده روی شاگردت را تحریک می کند.

***مرحله ۶:** درخواست های دعای شخصی را به اشتراک بگذارید و سپس هر برای درخواست دیگری دعا کنند.*

صفحات ۱۰۱-۱۰۴

منبع: ساخت یک شاگرد نوشته دکتر کیت فیلیپس. انتشارات توسط شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک 0-8007-1181-5. مقدمه از رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعه) مستقیما از کتاب گرفته شده و بدون بازنگری است.

20261012 بازنگری شده